



زندگی برتر، نیاز امروز

گاهی که روزهای پایان زمستان از پیش چشمانتان می‌گذرد و رنگ و بوی بهار کوجه‌ها را فرا می‌گیرد دل خوش می‌شویم که بهاری دیگر نیز خواهیم داشت. اما بهار تنها بهانه‌ای است برای حرف‌های تازه. باید دلمان را آن قدر صاف کنیم تا بتوانیم آینه باشیم و بار دیگر خوبی‌ها و بدی‌ها را ببینیم.

یکسال دیگر گذشت با خوبی‌ها و بدی‌هایش، تلخی‌ها و شیرینی‌هایش راستی ما کجای عالم ایستاده‌ایم؟ اگر کمی به اطرافمان نگاه کنیم به خوبی درک می‌کنیم که باید برای بهتر شدن و بهتر زیستن دست به دامن اندیشه‌هایمان شویم. آنچه در کشاکش روزها و ماه‌ها و سال‌ها بدون اندکی نقص زمان را پشت سر می‌گذارد عنصری است به نام اندیشه. این عنصر حیاتی نه اینکه دست خوش زمان نمی‌شود، بلکه همواره راه رشد را پی می‌گیرد و به فراخور آدم‌هایی که با آن‌ها سر و کار دارد تعبیرات مطلوب را در خود می‌بیند. به گفته دوستی، تمام آنچه که در طول سال‌ها می‌تواند مایه ارزش‌گذاری آدم‌ها باشد روزی فروکش می‌کند به جز اندیشه. یعنی شاید امسال پول‌دار باشیم و سال آینده فقیر، امسال خوش‌تیپ باشیم و سال آینده علیل، امسال سرحال باشیم و سال آینده بیمار... اما اندیشه و تفکر آن خمیرمایه‌ای است که انسان با داشتن حداقل آن می‌تواند هر سال راهی نو را فراروی خویش گشوده بیند.

این اتفاق که ما با اندیشه‌هایمان زندگی کنیم آن قدر روح بخش و ارزنده است که هیچ‌کدام از جریانات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی نمی‌تواند ما را به دنبال خود بکشد. اگر در جامعه امروز ما گروهی نان به نرخ روز می‌خورند بی‌شک از تهی بودن اندیشه است اگر تابع مد آرایش خاصی هستند، اگر با هر اتفاق جدید غوطه‌ور می‌شوند و هزاران هزار اگر دیگر، همه و همه از نداشتن تفکر و اندیشه است.

سؤال این جاست، این اندیشه نجات‌بخش را باید از کجا بیاوریم. در لایه‌لای کتابها؟ یا سایت‌های اینترنتی؟ یا کتابخانه‌ها و روزنامه‌ها؟

بخش عمده اندیشه و جهان بینی وابسته است به نهان وجودی انسان اینکه اصولاً مایل باشد یا نه؟ یعنی اینکه زندگی را به مبنای اندیشه بخواهد یا خیر؟ چرا که مقید شدن به زندگی بر محور تفکر کار دشوار و در عین حال زیبایی است. زیبایی این نوع زیستن وقتی مشخص می‌شود که در بحران‌ها به راحتی می‌توانیم تصمیم‌گیری نماییم.

و بخش دیگر آن را باید از طریق مطالعه و دل سپردن به آراء و عقاید بزرگانی که آن‌ها را امین می‌دانیم حاصل می‌گردد.

یک جوان شیعه بخش عمده فعالیت اندیشه‌اش را بزرگان دین برایش فراهم آوردند تفکری که مبنای اثنی عشری دارد. استوانه‌های این مبنای زیبا را پیامبر خاتم و امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بنا نهادند

و هرکدام از انوار دوازده‌گانه بخشی از این حیات طیبه را ترسیم نموده‌اند و قرآن به عنوان قانون اساسی این حرکت فرا روی هر بیننده مشتاقی است تا راه را از چاه تشخیص دهد.

اگر انسان به حیات مرتضوی و تفکر مصطفوی دل و دیده بسپارد در تمام ناهنجاری‌های رایج در جهان سرفراز خواهد بود و آنگاه است که خواهد توانست از این زندگی ناب لذت برد و با آمدن بهار به وجد آید آن‌هم بهاری که رنگ و بوی حسینی دارد.

یا علی

سر دبیر

